



گزارش مقدماتی از کاوش های سال های ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ در تپه

نرگه، تاکستان

دکتر سعید گنجوی*

چکیده:

پس از انتخاب تپه نرگه به عنوان سایت باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ابهر، کاوش های آموزشی - پژوهشی در این تپه از سال ۱۳۷۷ آغاز گردید. این کاوش ها جهت آموزش دانشجویان رشته باستان شناسی هر ساله ادامه دارد و در طی این مدت در سال های ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، سرپرستی کاوش بر عهده ی نگارنده بوده است. حاصل این کاوش ها، کشف روستایی از دوره ی صفویه و تشخیص نشانه هایی از آثار قدیم تر ایلخانی و سلجوقی می باشد. در این مقاله به معرفی اجمالی تپه نرگه و برخی از آثار یافت شده در آن خواهیم پرداخت.

کلید واژه: تاکستان، نرگه، کاوش، صفوی

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

مقدمه:

در سال ۱۳۶۸ پیشنهاد تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر از طرف علاقمندان به ارتقاء سطح دانش و فرهنگ و ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت و اعتلای سطح دانش و پژوهش و تامین نیروی انسانی متعهد و متخصص مورد نیاز بخشهای خصوصی و دولتی و گسترش آموزش عالی ارایه و در مهرماه سال ۱۳۶۹ با جذب ۸۵ دانشجوی کارشناسی در رشته ادبیات آغاز به کار نمود.

با توجه به اهمیت و موقعیت و ویژگیهای طبیعی منطقه رشته باستان شناسی نیز با جذب ۱۱۷ دانشجو در سال ۱۳۷۴ تاسیس گردید.

از آنجایی که حفاری میدانی و عملی در رشته باستان شناسی اهمیت خاصی دارد و دانشجویان این رشته باید دوره عملی آموزشی حفاری را طی نمایند لذا پس از بررسیهایی که در منطقه انجام گرفت تپه نرگه که از لحاظ قدمت و اهمیت و نزدیکی به دانشگاه از دیگر اماکن باستانی شاخص تر بود انتخاب گردید که به عنوان سایت حفاری علمی و آموزشی مورد کسوش و بررسی دانشجویان رشته باستان شناسی قرار گیرد. لذا در تابستان سال ۱۳۷۷ اولین هیئت حفاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر به سرپرستی نگارنده شروع به کار نمود.

اوضاع جغرافیایی و اقلیمی منطقه

تپه نرگه در جوار روستای نرجه از توابع شهرستان تاکستان قرار دارد، بهمین دلیل شناخت اوضاع طبیعی اقلیمی و جغرافیایی طبیعی منطقه تاکستان ضروریست.

تاکستان در شمال غربی فلات مرکزی ایران حد فاصل مدارهای ۴۹ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و مدارها ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی از خط استوا واقع شده است و ارتفاع متوسط آن از سطح دریای آزاد ۱۲۶۵ متر است. این شهر در طول شرقی ۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی و ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه و ۱۵ ثانیه قرار دارد. از طرف شمال و شمال شرقی به شهرستان قزوین، از جنوب شرقی به شهرستان بوئین زهرا و از غرب به شهرستان اهر محدود می باشد. فاصله آن تا قزوین ۳۳ کیلومتر و تا تهران ۱۸۵ کیلومتر است. از نظر زمین شناسی به دو قسمت کوهستانی و دشت تقسیم می شود. بخش کوهستانی آن عمدتاً از آتشفشانهای پیر و جوان و توده سنگهای نفوذی بوده و ارتفاعات از سنگهای پیر و کلاسیک و آذرین می باشند که به دوران سوم زمین شناسی (سنوزونیک) تعلق دارند و تغییرات فرسایشی باعث تغییر چهره آنها شده است.

قسمت "دشت" منطقه که شامل قسمتهای مرکزی، شمال شرقی و شرق آن می شود اغلب دارای باغات انگور و زمین های کشاورزی است و تپه نرگه نیز در این منطقه قرار دارد و دارای آب و هوای نسبتاً مطلوب و معتدل نسبت به دیگر بخشهاست.

منطقه تاکستان از نظر آب و هوایی نیز به دو بخش تقسیم می شود. منطقه کوهستانی با زمستانهای سرد و تابستانهای معتدل و منطقه دشت با آب و هوای نیمه بیابانی دارای زمستانهای سرد و تابستانهای گرم و خشک.

زبان فارسی با لهجه تاتی که از زبان پهلوی گرفته شده سخن می گویند و ترک زبان ها که اغلب در مناطق روستائی از جمله روستای نرجه سکونت دارند - مهاجرانی که در دوران سلجوقی و بخصوص در دوره صفوی در این منطقه سکنی گزیده اند - به زبان ترکی صحبت می کنند.

معادن عمده منطقه تاکستان عبارتند از: آهنک، نقره، سرب، فلدسپات، سیلیس، خاک صنعتی و کائولن، مردم منطقه اغلب یا به دامپروری مشغولند و یا به کشاورزی و در کنار آن نیز صنایع، گلیم بافی، قالی بافی، منجوق دوزی، تولید ظروف مسی و سفالگری، سبذبافی و گلدوزی در این مرز و بوم مرسوم است و غالباً به بانوان اختصاص دارد.

سابقه تاریخی منطقه

سیادن که امروزه به نام تاکستان شناخته می شود تاریخی کهن و سابقه ای درخشان دارد سرزمین تاکستان امروزی در زمان استیلای ماد جزء سرزمینهای اصلی حکومت و به دلیل نزدیکی با پایتخت حکمتانه از اهمیت زیادی برخوردار بوده است.

آشوریان در جنگهای متعدد خود با مادها حملات زیادی به این سرزمین داشته اند. قدمت این سرزمین با توجه به آثار و شواهدی که در کاوش های باستان شناسی در تپه خله کو بدست آمده به ۷۰۰۰ سال پیش برمی گردد.

تاکستان قدیمی ترین شهر بزرگ منطقه بوده اثر باستانی استان یعنی بقعه پیر دلیلی بر این مدعاست. علاوه بر این یکی از اسناد بسیار محکم دال بر قدمت شهر، عبور جاده قدیمی و پر رفت

وزش باد شمال و جنوب در تغییرات جوی این منطقه حائز اهمیت است. باد شمال را باد سرد و باد جنوب را باد گرم می نامند. رود ۲۴ فصلی و دائمی در منطقه در جریان است که مهمترین آنها خزرود (خره رود) و ابهر رود هستند و رودهای آلوچان، اورنه، توده بین، ساج، نودهک، ارچه، قلات دستجرد، خورهشت، ارنقاش و غیره نیز از رودهای فصلی این دیار بشمار می آیند. وجود همین رودها باعث شده که منطقه را دشت آبی نیز بنامند.

پوشش گیاهی منطقه تاکستان تحت تاثیر عناصر اقلیمی چون درجه حرارت و باد و خاک متفاوت است و بطور کلی پوشش گیاهی منطقه را می توان به دو قسمت جنگلی و مرتعی طبقه بندی نمود. پوشش جنگلی بصورت طبیعی بسیار کم دیده می شود و اراضی محدودی به کشت مصنوعی درختانی از قبیل زردآلو، بادام و سیب پرداخته و تاکستان های انگور فضای منطقه را سرسبز نموده است. پوشش مرتعی سطح قابل ملاحظه ای از اراضی منطقه را بخود اختصاص داده است. این مراتع عبارتند از: گون، کنگر، ورک، قیاق، تلخه و جارو.

پوشش جانوری منطقه بسیار متنوع است: پستاندارانی مانند: قوچ، میش، کل، بز کوهی، آهو، گرگ، روباه، شغال، خرگوش و پرندگان بومی همچون کبک، یاکریم، قمری، کبوتر، گنجشک، بلدرچین، عقاب، مرغابی، سار، زاغ، کلاغ و پرندگان مهاجر مانند: غاز و مرغابی وحشی در این منطقه بچشم می خورد.

جمعیت منطقه در حال حاضر به طور عمده به دو دسته فارس زبان و ترک زبان تقسیم می شوند. فارس زبانها بومی منطقه هستند و به

چشمگیری رونق می یابد. این جلگه به جهت تامین احتیاجات کشاورزی و دامی نیز مورد توجه حکومت مرکزی بوده است. به علت قرار گرفتن آن بر سر راه تهران و اروپا مورد توجه شاهان قاجار نیز بوده و آنان بارها از آنجا گذشته اند و با اقامت گزیده و مورد توجه قرار داده اند.

از نکته های جالب توجه این شهر اینکه در سال ۱۳۱۳ شمسی رضاخان اقدام به خرید این شهر می کند و در سال ۱۳۱۷ شمسی توسط فرهنگستان نام شهر از سیاران به سیادهن و سپس به علت وجود درختان انگور به تاکستان تغییر نام پیدا می کند.

موقعیت جغرافیایی روستای نرگه و وجه تسمیه نام آن

دهستان نرگه از توابع بخش مرکزی تاکستان می باشد که از لحاظ موقعیت استراتژیک در سه راهی تاکستان (شامی شاپ) قرار گرفته و فاصله اش تا مرکز شهرستان حدود ۱۰ کیلومتر است. این دهستان از شمال و شمال شرقی به تاکستان و کوه قره داغ (قره باغی) و ابهر رود و از قسمت شمال غربی به روستای رادکان و از غرب به قسمت جهان آباد و دانسفهان (کوه رودکها) و قنبر شاه و خر رود (خره رود یا قم رود) و از جنوب شرقی به روستای قره سین و از شرق به روستای اک محدود می شود. این محدوده ی بعد از سال ۱۳۴۱ و تقسیم اراضی است و قبل از آن نرگه دارای وسعت زیادتری بوده زیرا تعدادی از روستاهای اطراف جزء نرگه محسوب می شوند و موقعیت راه و جاده ها دقیقاً مغایر با وضعیت کنونی بوده است.

و آمد و بسزرگ جهانی ابریشم از آن است، جاده ای که حدود ده هزار سال نقشی عظیم در نقل و انتقال مواد، فرهنگ، تکنولوژی و ایجاد و توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی و نزدیکی ملتها را بر عهده داشته و افرادی چون کراسوس رومی و کوروش کبیر و اسکندر مقدونی بر سر تسلط آن جان باخته اند.

تاریخ این شهر با ورود اولین دسته آریایی ها به این سرزمین رقم خورده است. این شهر در زمان هخامنشیان مورد توجه بسیار بوده، بطوریکه توسط داریوش کبیر چاهارخانه ای بزرگ و بتیم روبروی بقعه پسر بنا گردیده است. در اواخر حکومت این سلسله و مقاومت در برابر سپاه اسکندر، ویرانی های زیادی بعد از این جنگ در آن باقی مانده است. این شهر در زمان ساسانیان به عنوان آخرین سلسله ایران قبل از اسلام از شهرهای مهم منطقه بوده است.

وجود تپه های باستانی که تعدادی از آنها متعلق به قبل از تاریخ می باشد از جمله تپه خله کو که هسته اولیه شهر نیز بوده و هم اکنون در قسمت جنوب شهر قرار دارد و شهر قدیم تاکستان در زیر آن مدفون است نیز از دیگر مسائل تاریخی تاکستان می باشد.

در زمان سلجوقیان بقعه پیر مرمت شده و این نشانگر آن است که در آن زمان نیز این بقعه از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. این منطقه در زمان نهضت حسن صباح و جانشینان او به دلیل نزدیکی به مقر آنها - قلعه الموت - نیز شاهد جنگهای طولانی میان مبارزان اسماعیلیه و حکومت مرکزی بوده است.

در زمان ایلخانسان بنا استقرار پایتخت در سلطانیه موقعیت جلگه تاکستان به نحو

سرپرستی نگارنده صورت گرفته است و اعضاء هیئت کاوش که در اینجا از زحمات تک تک آنان تشکر می‌نمایم عبارتند از:

سال ۱۳۷۷: آقای ذنوبی (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای اسماعیلی (کارشناس باستان‌شناسی)، آقای امینی (نقشه بردار)، آقای رضوانی (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور).

سال ۱۳۷۹: خانم دانشپور پرور (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای نجفی (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای ولی پور (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای نقشینه (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای اسماعیلی (کارشناس باستان‌شناسی)، آقای حیدری (کارشناس باستان‌شناسی)، آقای بیگلری (کارشناس باستان‌شناسی)، آقای سامان حیدری (کارشناس ارشد جغرافیا و نقشه برداری)، خانم نیاکان (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور).

سال ۱۳۸۰: آقای ولی پور (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای نقشینه (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای اسماعیلی (کارشناس باستان‌شناسی)، آقای حیدری (کارشناس باستان‌شناسی)، آقای سامان حیدری (کارشناس ارشد جغرافیا و نقشه برداری)، آقای پوربخشنده (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور)، خانم نیاکان (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور).

سال ۱۳۸۱: آقای ولی پور (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای نقشینه (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای اسماعیلی (کارشناس باستان‌شناسی)، آقای حیدری (کارشناس باستان‌شناسی)، آقای صدرایی (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور).

نرجه در لغت به فتح نون به معنی صف، حلقه، دسته ای از مردم پرنندگان، حلقه زدن لشکر برای شکار از فرهنگ عمید و یا در کتاب مرات البلدان به نقل از کتاب البیان آن را نرجه نام داده‌اند و آنچه از ظاهر امر مشخص است در ابتدا "نرجه" بوده که بعد از حمله اعراب به نرجه مبدل گشته و هم اکنون نیز به همین نام خوانده می‌شود.

موقعیت جغرافیایی و وسعت تپه نرجه

دهستان نرجه از توابع بخش مرکزی تاکستان است. تپه نرجه در فاصله ۵۰۰ متری شرق این روستا واقع شده است. این تپه از دیرباز اهمیت ویژه‌ای داشته است.

این تپه در کنار جاده کاروان رو زیارتی همدان - خراسان قرار دارد در امتداد شمالی تپه به فاصله تقریبی نیم کیلومتر تپه دیگری به نام تپه کوچک نرجه به ارتفاع خیلی کمتر مشاهده می‌گردد. تپه نرجه با ارتفاعی نزدیک به ۲۲/۶۱ متر از سطح دشت مشخص‌ترین تپه منطقه بوده و دارای وسعتی به ابعاد ۲۲۰×۱۹۰ متر می‌باشد.

جهت تپه در امتداد شمالی جنوبی است. سطح تپه بر اثر فرسایش‌های جوی دارای بریدگیهای عمیقی است که حداکثر فرسایش آن در امتداد شرقی دیده می‌شود. ارتفاع تقریبی آن نیز از سطح دریا ۱۳۲۲ متر است. (تصویر شماره ۴)

حفاری تپه نرجه

تاکنون هشت فصل کاوش باستان‌شناسی در تپه نرجه انجام گرفته است و در طی این مدت کاوش‌های سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به

پس از پایان عملیات میدانی کلاسهای بعد از ظهر زیر نظر اساتید از ساعت ۳ الی ۷ بعد از ظهر در محل کارگاه باستان شناسی تشکیل می شد. در این کلاسها دانشجویان با مبانی نظری و تئوری کاوش، بررسی، نقشه برداری، طبقه بندی سفال، طراحی سفال و هم چنین وصالی و مرمت اشیاء آشنا می شدند و گزارش کارهای روزانه خود را در این کلاسها ارائه می دادند. این گزارش ها شرح عملیات حفاری، شرح معماری، کروکی روزانه کارگاه، شرح و طبقه بندی اشیاء ریز، ارائه گزارش یافته های روزانه بود.

دانشجویان موظف بودند هر روز بالاترین و پایین ترین عمق مکان خود را با استفاده از تراز نخی نسبت به نقطه ثابت کارگاه اندازه و در گزارش های روزانه منعکس نمایند. هر شیئی که در داخل ترانشه به دست می آمد در کارتهای مربوط به آن شیئی ثبت شده و پس از ذکر ضخامت لایه های برداشته شده در هر روز چگونگی کاوش، بافت معماری را به نام فیچر و به ترتیبی که هر روز به دست می آمد، شماره گذاری می کردند و سپس به توصیف فیچرهای بدست آمده می پرداختند.

در شرح اشیاء ریز نیز هر کدام از اشیاء به دست آمده را با علامت اختصاری S.F. به ترتیب پیدا شدن معرفی و موقعیت مکانی محل به دست آمدن آن را شامل عمق، موقعیت نسبت به اضلاع مجاور، تاریخ، نوع جنس و توضیحات آن ذکر می کردند. سفالها نیز پس از شستشو در محل مربوط به میدان سفال که در ابعاد ۲۰×۲۰ متر بود قرار داده می شد. سفال ها هر روز با توجه به نوع سفال و سپس بر اساس لبه، کفه، بدنه، دسته، پایه،

طبق برنامه ریزی اعضای هیئت، راهکار و استراتژی مشترک هیئت در قبال کاوش و آموزش دانشجویان مشخص گردید. بدین منظور دانشجویان در گروه های منظم تقسیم شده و در کارگاههای مشخص شده زیر نظر استادان مربوطه به کار مشغول شدند.

همه ساله جهت آموزش بهتر و دقیق تر از روش هندسی برای ایجاد ترانشه های مورد نظر استفاده می نمودیم. یادآوری می کنم این نوع حفاری که اصطلاحاً آن را حفاری افقی می نامند، کمک می کند تا بافت وسیع تری از جامعه مورد مطالعه (به ویژه معماری روستا) روشن شده و در مطالعات و بررسی بهتری صورت پذیرد. و در نتیجه اطلاعات جامعتری در خصوص دوره مورد مطالعه و کاوش به دست می آید.

طی چهار فصل کاوش (سال های ۱۳۷۷، ۷۹، ۸۰ و ۸۱) تعداد بیست و یک ترانشه مورد کاوش قرار گرفت (تصویر شماره ۱)، ترانشه های مورد نظر در اضلاع ۱۰×۱۰ متر برابر نقشه توپوگرافی نخ کشی شده و هر کدام از آنها نیز به چهار قسمت ۲/۵×۲/۵ متر تقسیم و در هر یک از این مکانها گروه های ۴ تا ۵ نفره به کار گمارده شده و مشغول کار می شدند.

کلیه این عملیات آموزشی با راهنمایی نقشه بردار هیئت بوسیله دانشجویان به انجام می رسید.

گروه های مذکور هر کدام دارای یک سر گروه از میان خود دانشجویان بود که وظیفه هماهنگی سرپرست ترانشه و اعضای مکان را بر عهده داشت. هر ترانشه نیز زیر نظر مستقیم یکی از اعضای هیئت علمی حفاری اداره می شد.

روستایی است ولی نسبت به بناهایی که تاکنون در نرگه بنه دست آمده از اجزاء معماری متنوع تری برخوردارند و به نحو سالم و بهتری در زیر خاک حفظ شده اند.

ارتفاع برخی از دیوارهای مکشوفه به حدود ۱۸۰ سانتی متر می رسد و مصالح معماری به کار رفته عمدتاً خشت و گل می باشد. در برخی موارد از قطعات شکسته سفال های خشن و آجر شکسته و سنگهای نامنظم نیز استفاده شده است.

فضای شماره I

در قسمت شرق فضاهای شماره V و IV فضای کم عرض به طول ۹ متر دیده می شود که احتمالاً راهرو و یا معبر بوده که این محل دارای شیبی از سمت جنوب به شمال است.

عرض این راهرو و یا معبر در سمت جنوب ۹۰ سانتیمتر و در قسمت شمال ۱۵۰ سانتیمتر است.

کف این راهرو از گل کوبیده و به نظر می رسد که سطح آن را در مرحله ای جدیدتر بالا آورده اند. در قسمتهایی از مرکز آن یک قطعه سنگ تقریباً صاف کشف گردید.

عرض دیوارهای طرفین معبر در بعضی قسمتها با سه ردیف و در بعضی دو و نیم ردیف و در قسمت جنوب شرقی با یک و نیم ردیف خشت ساخته شده است.

فضای شماره II

این فضا (اطاق) به شکل مربع مستطیل است. قسمتی از این اطاق در ترانشه L8 و قسمتی در

لوله و غیره طبقه بندی و در جای مخصوص قرار می گرفت.

انواع سفال های بدست آمده از کارگاه نیز هر روز در تعداد، شکل (لبه، بدنه، کف، دسته، پایه، لوله و غیره) و جنس سفال (خشن یا ظریف) رنگ پوشش برای سفال های بدون لعاب (قرمز، نخودی و خاکستری) و رنگ لعاب برای سفال های لعابدار (آبی، سبز، سفید، سیاه، قهوه ای و زرد) آمارگیری و تعداد آنها را در قسمتهای مربوطه درج و بدین ترتیب فرم سفال همراه با ملاحظات دانشجو تکمیل می گردید.

در پایان به شرح دو ترانشه از بیست و یک ترانشه حفاری شده در تپه نرگه با نامهای M8 و K8 می پردازیم.

ترانشه M8

این ترانشه با طول و عرض ۱۰×۱۰ در قسمت شمال شرقی تپه نرگه واقع و دارای شیب ملایمی از طرف جنوب به شمال می باشد. (تصاویر شماره ۲ و ۵)

رسوبات انباشته شده حاصل از فرسایش و آوار ویرانه های بنا که تماماً با خشت و گل ساخته شده بیشترین حجم لایه های این ترانشه را تشکیل می دهد. در ابتدای کاوش پس از چند سانتیمتر خاکبرداری با دیوارهای متعدد خشتی مواجه شدیم و در ادامه آن آثار معماری متعددی کشف گردید.

آثار معماری

در این ترانشه آثار معماری جالبی به دست آمد که در نوع خود در تپه نرگه با جزییات قابل توجه سابقه نداشت. بناها از نوع ساختارهای

ساتیمتر از طرف شمال به جنوب تعبیه شده که داخل آن به دو قسمت نامساوی تقسیم شده است و احتمالاً به عنوان آغل از آن استفاده می شده است. در داخل این اطاق دو رشته تسبیح از نوع سنگ کشف گردید. (تصویر شماره ۱۴)

IV فضای شماره

در گوشه جنوب غربی ترانشه قرار دارد. سه دیوار شرقی و شمالی و جنوبی این اطاق مشخص شده ولی دیوار غربی آن خارج از ترانشه قرار دارد. به احتمال قوی انبار بوده است. (تصویر شماره ۹). ورودی این اطاق در دیوار غربی تعبیه شده است.

دیوارها با ضخامت نسبتاً زیاد که گاهی متجاوز از یک متر است ساخته شده است. در ضلع شمالی و جنوبی این اطاق دو سیلوی گلی به دست آمد که یک از آنها دوقلوست. طول و عرض این سیلو 70×130 و عمق 105 سانتیمتر می باشد که به صورت یکپارچه ساخته شده است داخل و بیرون سیلو اندود کاهگلی دارد.

سیلوی مکشوفه دیگر در جنوب ترانشه و چسبیده به دیوار شرقی با ابعاد 93×100 و عمق 120 سانتیمتر کشف گردیده که دارای اندود کاهگلی در داخل و خارج می باشد.

در کف این اطاق قطعات شکسته دو خمره به طول 71 سانتیمتر با دربهای سفالی کشف گردید.

یک طاقچه نیز در میانه دیوار جنوبی به شکل تقریبی مربع به ابعاد 45×55 و عمق 65 سانتیمتر بدست آمد. ارتفاع این طاقچه در حدود 50 سانتیمتر از کف می باشد

لازم به تذکر است دیوار شمالی نسبت به دیوار ضلع جنوبی قطورتر بوده و در دیوار ضلع

ترانشه M8 قرار دارد. ورودی این اطاق در قسمت جنوب غربی ترانشه M8 قرار گرفته است. دیوار غربی این اطاق با 3 ردیف خشت، دیوار جنوبی و شمال با $2/5$ ردیف و دیوار شرقی آن با 2 ردیف خشت تعبیه شده است.

در داخل این اطاق دو سیلوی پایه دار به ابعاد 65×110 و 85×45 سانتیمتر کشف گردید. علت فاصله سیلوها از زمین احتمالاً جهت نگهداری بهینه مواد غذایی داخل سیلو بوده است. سیلوی بزرگتر نسبتاً سالمتر از دیگری است.

در قسمت جنوبی این اطاق تنوری با قطر دهانه 70 سانتیمتر کشف گردید. در اطراف این تنور قطعات شکسته خمره سفالی بدست آمد که کاملاً از هم پاشیده شده بود. در گوشه شمال غربی این اطاق تعداد قابل توجهی ظروف سفالین بر روی کف اطاق بدست آمد.

در مورد این ظروف در بخش سفال توضیحات کامل ارایه خواهد شد.

III فضای شماره

این فضا (اطاق) در گوشه جنوب شرقی ترانشه قرار دارد. این اطاق به شکل مربع است. دیوار جنوبی و غربی این اطاق با $1/5$ ردیف، دیوار شمالی با دو ردیف و دیوار شرقی با یک ردیف خشت تعبیه شده است. این اطاق دو ورودی از طرف شمال و جنوب دارد. ورودی جنوبی آن دارای طاق ضربی است و به فضای دیگری راه دارد. (تصویر شماره ۱۰)

ورودی شمالی آن احتمالاً در دوره های بعدی مسدود گردیده است. در قسمت شرقی این اطاق دیواری با خشتهای ایستاده به طول 30×180

فضای شماره VI

این فضا در شمال غربی ترانشه قرار دارد. دیوار قسمت شرقی آن با ۲/۵ ردیف خشت بنا گردیده. این دیوار بین اطاق شماره V و فضای شماره VI واقع گردیده است.

قسمتی از دیوار جنوبی این فضا با ۲/۵ ردیف خشت کشف گردید و بقیه آثار معماری آن زیر بازوی غربی و شمالی ترانشه مدفون می باشد.

یافته های سفالین:

در ترانشه M8 و قسمتی از بازوی میان ترانشه L8 که محدوده ی اطاق شماره M8 II و L8V جمعاً تعداد ۲۹۳۵ تکه سفال بدست آمد. بیشتر سفال ها بدون لعاب و ساده هستند. ۷۳ درصد سفال ها ساده و ۲۷ درصد آنها لعابدار هستند. ۱۰ درصد سفال های بدون لعاب مکشوفه از نوع ظروف آشپزخانه و مربوط به پخت و پز هستند.

متداول ترین تزئین در میان سفال های بدون لعاب نقش کنده است و فقط ۱۶ تکه سفال با نقش افزوده و ۵ تکه با نقش استامپی کشف شده است. سفال های لعاب دار نیز عمدتاً از نوع ساده و تک رنگ هستند. بعد از آن نقش کنده در زیر لعاب عمومیت دارد.

کمترین تعداد ظروف لعابدار مربوط به سلاذن و مینایی و زرین فام است. ظروف بدست آمده از این ترانشه همگی از نوع بدون لعاب است که کاربرد معمولی و روزانه داشته است.

ترانشه K8

این ترانشه در منتهی الیه شمال شرقی بخش مسطح بالای تپه نرگه قرار دارد. به همین دلیل از جهت غرب به شرق دارای شیب زیادی است به طوری که در شرق ترانشه شیب تندتر می شود. این وضعیت به خوبی در نقشه توپوگرافی تپه نرگه مشهود می باشد (تصویر شماره ۱).

شمالی در فاصله های مشخص در دو قسمت، دیوار حدود ۲۰ سانتیمتر به طرف شمال برمی گردد. کف این اطاق گل کوبیده است و دیوارهای آن کلاً اندود کاهگلی دارد که این اندود چندین بار تکرار شده است. (تصویر شماره ۶)

فضای شماره V

این اطاق به شکل مستطیل در امتداد شمال - جنوب قرار دارد. دیوار شمالی آن خارج از ترانشه واقع شده. دیوارهای خشتی با اندود کاهگلی با ضخامت ۱۵ سانتی متر است که بارها اندود تکرار شده است.

بر روی دیوار شرقی این اطاق دو طاقچه با فاصله ۱۵۰ سانتی متر از هم با ابعاد تقریباً برابر ۶۵×۵۵ و عمق ۴۰ تا ۶۰ سانتی متر تعبیه شده است. ارتفاع این طاقچه ها بعلت تخریب قسمت فوقانی آن معلوم نیست. (تصویر شماره ۷)

دیوارکی چینه ای با طول ۱۸۰ و عرض ۳۷ و ارتفاع ۱۱۰ سانتی متر عمود بر دیوار غربی در این اطاق کشف گردید. این دیوارک کوتاه تر از دیوارهای اصلی است و هیچ باری را تحمل نمی کرده. بر روی این دیوارک تعداد ۸ طاقچه کوچک در دو ردیف چهار تائی کشف گردید که احتمالاً جهت قرار دادن اشیاء کوچک بوده است. این دیوارک جهت جدا کردن قسمتهایی از این اطاق تعبیه شده است. طاقچه دیگری به ابعاد ۴۵×۶۰ سانتی متر بر روی دیوار جنوبی کشف گردید.

ضمن خاکبرداری از کف اطاق آثار تیرهای چوبی ظاهر گردید که نشانگر پوشش سقفی این اطاق می باشد (تصویر شماره ۸).

تنوری نیز به قطر دهانه ۶۵ و عمق ۸۵ سانتی متر در کف اطاق کشف گردید. کف این اطاق با اندود کاهگل پوشانده شده است.

نرگه قرار دارد که کاوش تا سطح کف بناهای این دوره ادامه داده شده است (تصویر شماره ۳).

بیشترین عمق کاوش در امتداد ضلع غربی ترانشه است که ۱۸۵ سانتی متر و کمترین عمق کاوش در حدود ۱۰-۵ سانتیمتر است که در امتداد ضلع شرقی ترانشه قرار دارد. حتی در قسمتهایی از گوشه جنوب شرقی ترانشه با جارو زدن سطح کف بقایای استقراری نمایان می گردید.

علت این اختلاف در عمق کاوش همانطور که اشاره شد شیب سطح تپه می باشد. قسمتهای کاوش شده در زیر لایه گلی سطح تپه مربوط به ویرانه های خانه های روستایی است. فضاهای داخلی بناهای مکشوفه انباشته از آوار می باشد، به همین دلیل شیوه کاوش در این ترانشه همچون اغلب ترانشه های دیگر خاکبرداری و تخلیه آوار از داخل فضاهای معماری و مشخص کردن آثار و بقایای معماری است. در این کار دقت زیادی انجام می گرفت تا دانشجویان به اهمیت کار و نیاز به حوصله و دقت در کاوش آشنا گردند و همچنین با تشخیص عناصر معماری و مواد و مصالح تشکیل دهنده نظیر خشت و کاهگل و اندود سطح دیوارها و حتی تشخیص آوار از اصل بنا و یا بازسازی و چگونگی فروپاشی بنا آشنا شوند.

در نتیجه کاوش در این ترانشه پنج فضای معماری بدست آمد که بشرح ذیل می باشد:

فضای شماره I

برای ورود به این فضا باید از راهروی باریکی گذشت که بوسیله دیوار کوتاهی از فضای اصلی اطاق مجزا شده است. در قسمت راست این راهرو در امتداد دیوار شرقی آن سکوی گلی قرار دارد که دارای سه فرو رفتگی تقریباً مدور است.

بلندترین قسمت این ترانشه ضلع غربی آن است که ۵/۲۷ متر از راس تپه (نقطه ثابت) پایین تر می باشد. اختلاف سطح در محدوده این ترانشه در ساختار معماری مکشوفه نیز تاثیر گذاشته است، به طوری که بقایای معماری در قسمت غربی ارتفاع بیشتری دارد و هر چه به سمت شرق امتداد می یابد کم ارتفاع تر و کوتاه تر می شود، حتی به نظر می رسد که در زمان ساخت بنا نیز در این قسمت شیب وجود داشته است. تمامی سطح این ترانشه را لایه گلی گسترده ای پوشانیده است ضخامت این لایه گلی در بعضی از جاها حدود ۲۵ - ۲۰ و در قسمتهایی ۱۰-۵ سانتیمتر است.

لازم به یادآوری است که این لایه گلی به وضوح جدیدتر از بقایای معماری زیر آن است و مربوط به سالیان اخیر می باشد که به وسیله کشاورزان محلی برای خشک کردن انگور و تهیه کشمش ایجاد گردیده، در واقع این وضعیت در قسمتهای دیگر تپه نرگه نیز وجود داشته و حتی امروزه همین روش و عمل بر روی سطح تپه مجاور یعنی تپه بالا تپه که در شمال تپه نرگه قرار دارد نیز به چشم می خورد. ایجاد این لایه گلی اگر چه به آثار باستانی زیر خود آسیب هایی رسانده و حتی در مواردی کابردن آن و رسیدن آن به لایه های باستانی و تشخیص آنها را از یکدیگر مشکل ساخته ولی با وجود این در حفظ لایه های زیرین نیز موثر بوده است. زیرا که مانع نفوذ عوامل فرسایشی به لایه های باستانی بوده و جریان آب های سطحی حاصل از بارش، فرسایش و تخریب لایه های باستانی را کند می کرده است.

آثار معماری

در زیر این لایه گلی گسترده در سطح ترانشه بقایای معماری جدیدترین دوره استقراری در تپه

می شویم. این فضا دارای طول ۳۶۰ و عرض ۳۵۰ سانتیمتر می باشد. در داخل این فضا یک سیلو به شکل دایره که از خشتهای ایستاده ساخته شده است بدست آمد. این خشتهها همگی به شکل مربع به ابعاد $7 \times 30 \times 30$ سانتیمتر می باشند. تعداد ۷ خشت در ساختار این سیلو به کار رفته است. این سیلو در قسمت جنوب غربی فضا قرار دارد. ارتفاع این سیلو در حدود ۳۵ سانتیمتر است که با گل داخل و خارج آن اندود گردیده است.

در کف قسمت شمالی این فضا لاوکی بصورت خوابیده کشف گردید (تصویر شماره ۱۳). در کنار دیوار سیلو بر روی کف قطعات کوزه سفالی شکسته به دست آمد، بر روی کف در کنار دیوار شرقی این فضا تعداد چهار حفره بزرگ و کوچک کشف گردید که نمی توان نسبت به کاربرد آنها بطور دقیق اظهار نظر کرد، آنچه که مشخص است فرسودگی دیوارهای این فضا است که در قسمتهای شرقی و جنوبی بوسیله آجر و خشتهها و سفال های ایستاده اقدام به مقاوم کردن آنها نموده اند. نظیر چنین عملیات در فضاهای مکشوفه سال های پیش نیز دیده شده است. کلیه دیوارهای این فضا و کف آن گل اندود است.

فضای شماره III

فضای شماره ۳ بصورت راهرویی با طول $5/80$ و عرض متفاوت ۱۲۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر می باشد و در قسمت جنوب شرقی ترانشه قرار گرفته است. دیوارها و کف آن از گل رس ساخته شده که بسیار سخت و مقاوم می باشد. ورودی آن با عرض ۷۰ سانتیمتر در قسمت جنوب ترانشه قرار دارد.

فضای شماره IV

این فضا دارای $6/80$ متر طول و ۳ متر عرض می باشد و در قسمت شرق ترانشه قرار دارد. با

این سکو در حدود $1/5$ متر طول و ۵۰ سانتیمتر عرض دارد و کاربرد آن مشخص نیست. بر روی دیوار جدا کننده راهرو نیز در قسمت غرب چهار طاقچه کوچک و کم عرض به چشم می خورد که در قسمت بالا و پایین دیوار قرار دارند.

دو طاقچه قسمت بالایی در اثر تخریب بخش دیوار جدا کننده از بین رفته است. در امتداد ضلع شمالی این اطاق و تقریباً در گوشه شمال غرب آن دو سیلوی گلی به شکل های مربع و دایره بدست آمد (تصویر شماره ۱۲).

سیلوی دایره یا استوانه ای روی پایه های گلی قرار دارد و کف آن از سطح کف اطاق حدود ۵ سانتی متر بالاتر قرار دارد. بر روی دیوار پشت سیلوی مربع شکل یک طاقچه با عرض و طول 30×60 سانتی متر تعبیه شده بود که بعد از ساختن سیلو عملاً غیر قابل استفاده شده و در نتیجه داخل آن پر شده است. این اطاق یا فضا باقیمانده اطاقی است که در فصل گذشته در محدوده ترانشه L8 بدست آمده بود مشخص گردید.

بر کف زمین دیوار جدا کننده در سمت غرب سه فرورفتگی کشف گردید. این فضا دارای ۳۶۰ سانتی متر طول و ۲۶۰ سانتیمتر عرض می باشد و در قسمت شمال شرقی بوسیله سه پله مفروش شده از سنگهای نامنظم به فضای شماره ۳ راه پیدا می کند. در گوشه شمال شرقی این فضا یک پاشنه در آجری کشف گردید.

دیوار شرقی این فضا با دو ردیف خشت بعرض ۸۰ سانتیمتر تعبیه گردیده کلیه دیوارهای فضای شماره I دارای اندود گلی و کف اطاق نیز گل کوبیده می باشد.

فضای شماره II

با ورودی بعرض ۷۰ سانتیمتر با سه پله مفروش شده از سنگهای نامنظم و خشت، پوشانده شده از کاهگل وارد فضای شماره دو

سفال

در ترانشه k8 تمامی سفال های یافت شده از نوع اسلامی هستند که بیشتر آنها سفال هایی با کاربرد روزمره می باشند. به عبارت دیگر بیشتر سفال ها بدون لعاب و ساده هستند. ۸۱٪ سفال ها فاقد لعاب هستند و از میان آنها نیز ۸۸٪ ساده و فاقد هرگونه تزیین می باشند. این امر نشانگر وضعیت اقتصادی ساکنان می باشد که مردمانی روستائین و با توان اقتصادی محدود بوده اند و نمی توانستند از ظروف تجملاتی و گران قیمت استفاده کنند. بسویژه آنکه فقط حدود ۲٪ از سفال ها از انواع لعابدار مرغوب نظیر سفال آبی و سفید هستند. در میان سفال های فاقد لعاب، نزدیک ۱۰٪ آنها ظروف پخت و پز می باشند و متداول ترین شیوه تزیین در میان سفال های بدون لعاب نیز تزیین کنده می باشد (حدود ۱۰٪). سفال های لعابدار نیز فقط ۱۸٪ کل سفال ها را شامل می شوند که اغلب آنها فقط لعاب ساده دارند. ۵۳٪ متداول ترین شیوه تزیین سفال های لعابدار نیز نقش کنده زیر لعاب است با فراوانی در حدود ۳۳٪ پس از آن لعاب پاشیده و نقش کنده زیر لعاب معمول است که در مجموع حدود ۱۳٪ سفال های لعابدار را تشکیل می دهند.

بر روی کف اطاق کوچک واقع در میان ترانشه و در زیر لایه ها آوار، بقایای چند ظرف سفالی ناقص و یک ظرف سالم ولی ترک خورده سفالی به دست آمد. این ظروف همگی از نوع سفال ساده و خشن هستند که استفاده روزمره داشته اند و فاقد تزیین و ویژگیهای خاصی برای تاریخگذاری می باشند. یکی از این ظروف لاوکی است خشن که بدنه ای ضخیم که مقدار زیادی

یک ورودی بعرض ۹۰ سانتیمتر به راهروی فضای شماره ۳ مربوط می شود. در داخل این فضا تعداد چهار اجاق کلاً ساختار گلی دارند کشف گردید. نقشه ترانشه K8 کاربرد این اجاقها جهت پختن آب انگور و درست کردن شیره انگور می باشد.

فضای شماره V

این فضا اطاقی است به شکل مستطیل با طول ۵/۱۰ و عرض ۲/۱۰ متر. در داخل این فضا دو تنور و دو سیلو کشف گردید. سیلوها به شکل دایره و بیضی ناقص بهم چسبیده در قسمت شرق این فضا چسبیده به دیوار شرقی که داخل و بیرون آن گل اندود شده بود قرار داشت. این دو سیلو مجموعاً ۱/۷۵ متر طول و ۷۰ سانتی متر عرض و حدود ۱۰ سانتی متر از کف اطاق بالاتر بوده و بر روی پایه گلی قرار گرفته اند. یکی از تنورها که در نزدیکی سیلوها قرار گرفته در گذشته پر شده و گل اندود گردیده ولی تنوری که در قسمت غربی فضا قرار دارد با قطر دهانه ۲۳ و با لبه ۱۵ سانتیمتر و عمق ۸۰ سانتیمتر موجود می باشد. از داخل این تنور مقدار زیادی آوار و از کف تنور مقداری خاکستر بدست آمد. هواکش تنور مکشوفه احتمالاً زیر بازوی غربی ترانشه قرار دارد.

در قسمت شمالی این فضا قسمتی از یک سکو بطول ۲/۴۰ متر کشف گردید که امتداد آن نیز زیر بازوی شمالی ترانشه کشیده شده است. دیوارهای مکشوفه این فضا گل اندود و کف آن نیز با گل کوبیده پوشانیده شده است و شیب آن نیز بطرف شرق قرار دارد.

نظم و طرح خاصی بنا نشده اند و عمدتاً بر اساس موقعیت محل و با مواد و مصالح در دسترس ساخته شده اند. برخی ترانشه ها شواهدی از معابر عمومی بدست آمده ولی در حال حاضر نمی توان نقشه عمومی روستا را ترسیم نمود.

در تاریخ گذاری این روستا که در واقع جدیدترین و فوقانی ترین طبقه استقراری در تپه نرگه است، می توان به یافته های سفالین و معدودی سکه های یافت شده استناد کرد. قطعات شکسته و بعضاً نیمه سالم ظروف سفالین که در کاوش ها بدست آمده اند، عمدتاً متعلق به دوران اسلامی و مراحل مختلف آن می باشند. در محدوده ی بناهای مکشوفه نیز عمدتاً سفال های مشخصه دوره ی صفوی دیده می شود، هرچند که سفال های سلجوقی و ایلخانی نیز به مقدار کمتر وجود دارد.

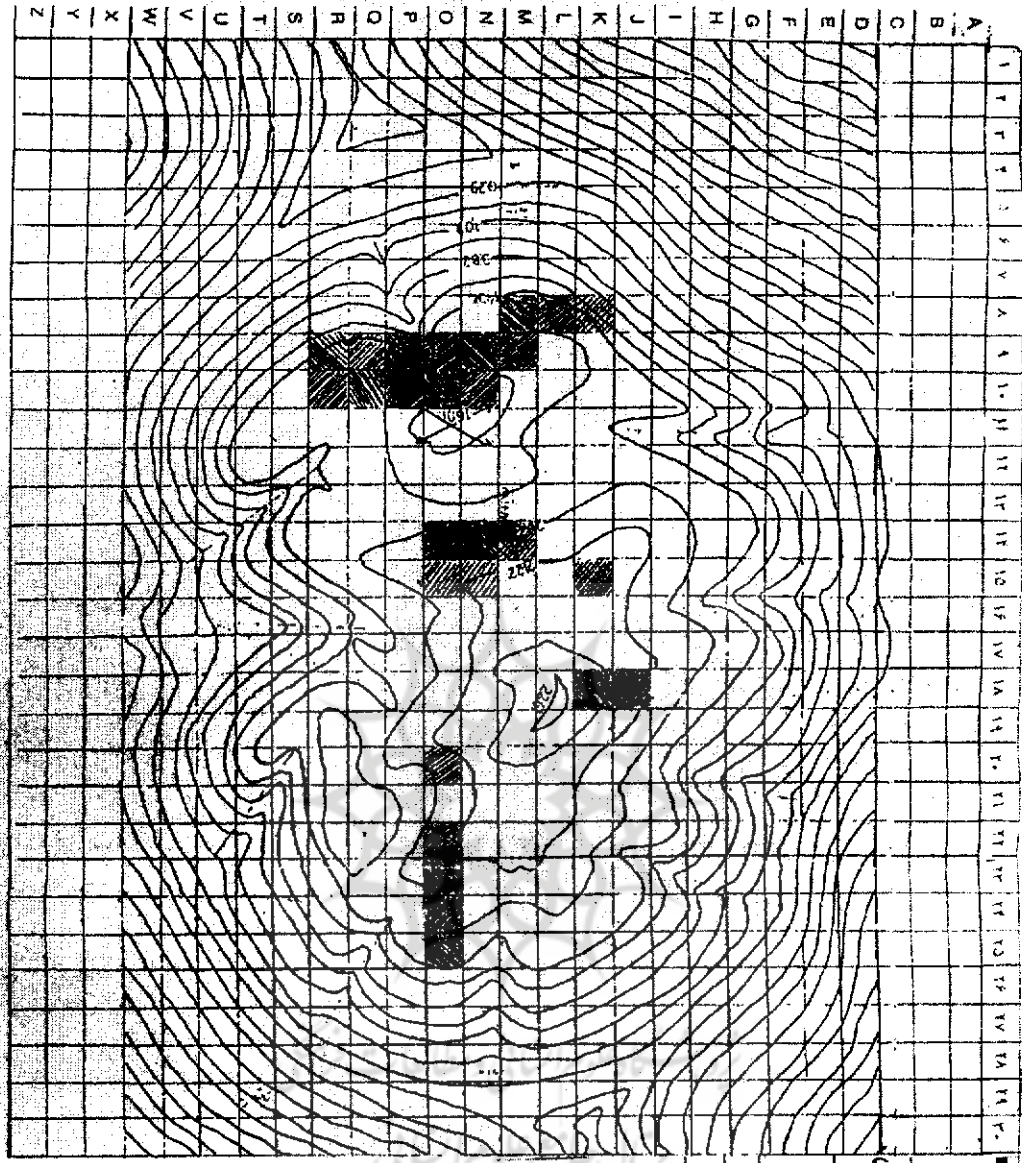
از طرف دیگر تعدادی سکه های معروف به "فلوس" که خصوصیات سکه های دوره ی صفوی را دارند بدست آمده است (تصویر شماره ۱۵) توان برای روستای مکشوفه تاریخی در حدود دوره ی صفوی را در نظر گرفت. ظاهراً بنابر دلایلی نامعلوم ساکنان این روستا در اواخر دوره ی صفوی به تدریج خانه های بالای تپه را ترک کرده و در سطح دشت و در نزدیکی تپه روستای جدید نرگه را ایجاد نموده اند.

تمپر شن دارد. این لاوک بر روی دیواره خود در نزدیکی کف سوراخی دارد از همین رو به نظر می رسد در تهیه آب انگور از آن استفاده می شده است. کوزه کوچکی با دو دسته در طرفین و شیارهای ساده و شانه ای بر روی گردن ظرف با ارتفاع ۲۱ سانتیمتر و قطر دهانه حدود دوازده سانتیمتر کشف شد.

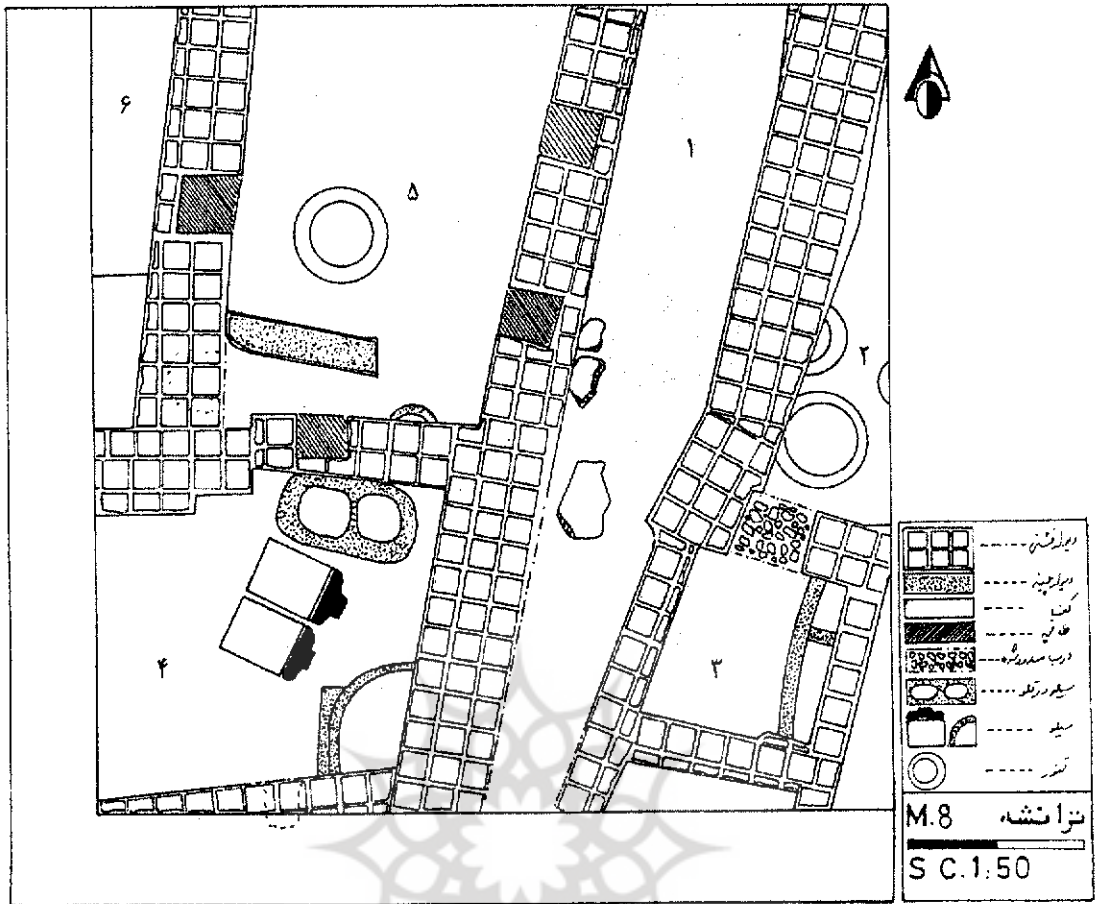
قطعاتی شکسته از یک کوزه بزرگ تر نیز در این محل بدست آمد که البته ناقص می باشد. با این وجود می توان تشخیص داد که این کوزه نیز دارای دو دسته در طرفین بوده است و کاملاً بدون تزئین و ساده می باشد. ارتفاع آن در اصل در حدود ۵۰ سانتیمتر بوده و نکته جالب در مورد آن شکستگی و وصالی آن در زمان استفاده می باشد، بطوریکه هنوز برخی از بست های آهنی در محل ترک و شکستگی آن دیده می شود. علاوه بر این سه ظرف، هیچ ظرف سالم و یا نسبتاً سالم دیگری در ترانشه k8 بدست نیامده است.

جمع بندی

حاصل کاوش های آموزشی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی اهر در تپه نرگه تعداد بیست و یک ترانشه ۱۰×۱۰ متری می باشد که حدود ۲۱۰۰ متر مربع از سطح این تپه باستانی را در بر می گیرد. در این ترانشه ها ساختار معماری روستایی بزرگ مشهود است که خانه هایی با اطاق های متعدد، راهروها، پله ها، سیلواها، تنورها و اجزاء مختلف دیگری را شامل می شوند. مصالح معماری عمدتاً چینه و خشت است ولی از بقایای دوره های قبل همچون آجرهای شکسته و تکه های سفال های ضخیم نیز در برخی قسمت ها استفاده شده است. ظاهراً خانه ها با

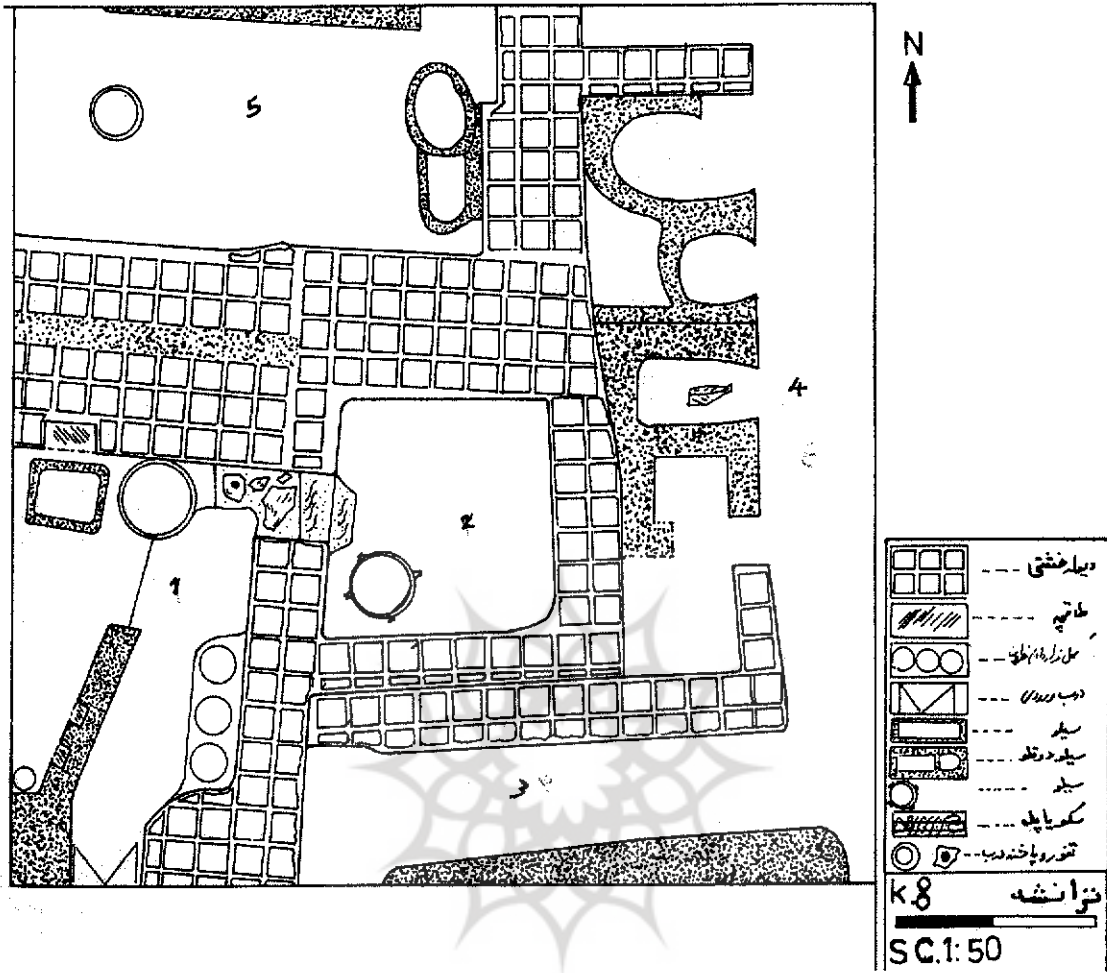


تصویر ۱- نقشه توپوگرافی تپه نرگه و محل ترانشه های کاوش شده - مقیاس ۱:۱۰۰۰



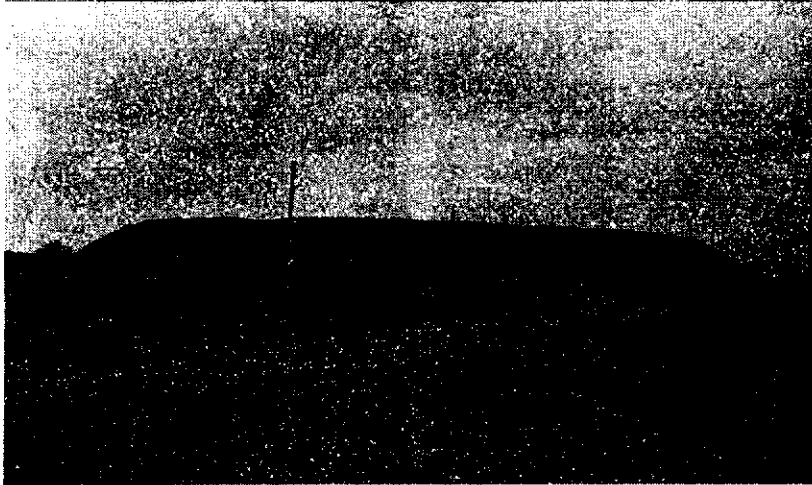
تصویر ۲- نقشه آثار معماری بدست آمده در ترانشه M8

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

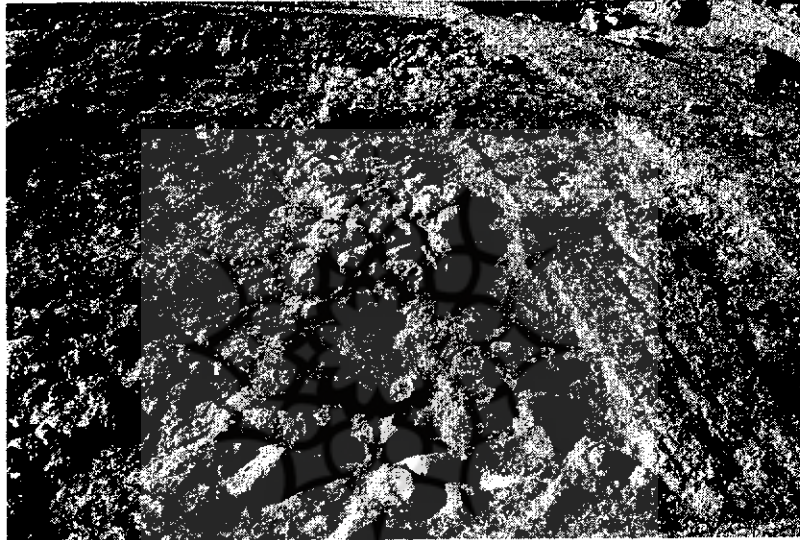


شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تصویر نقشه آثار معماری بدست آمده در تراشده K8

پرتال جامع علوم انسانی



تصویر شماره ۴- نمای عمومی تپه زرگه از جانب شمال شرقی



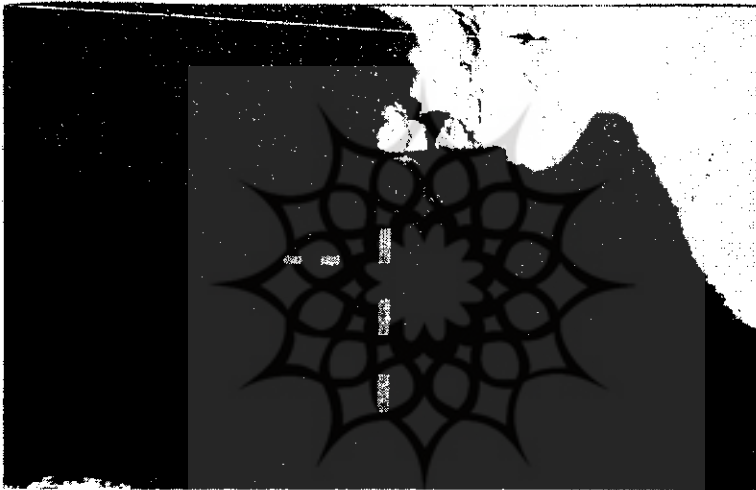
تصویر شماره ۵- نخستین شواهد معماری و آوار در محدوده ی ترانسه M8



تصویر شماره ۶- فضای معماری شماره V بدست آمده در ترانسه M8



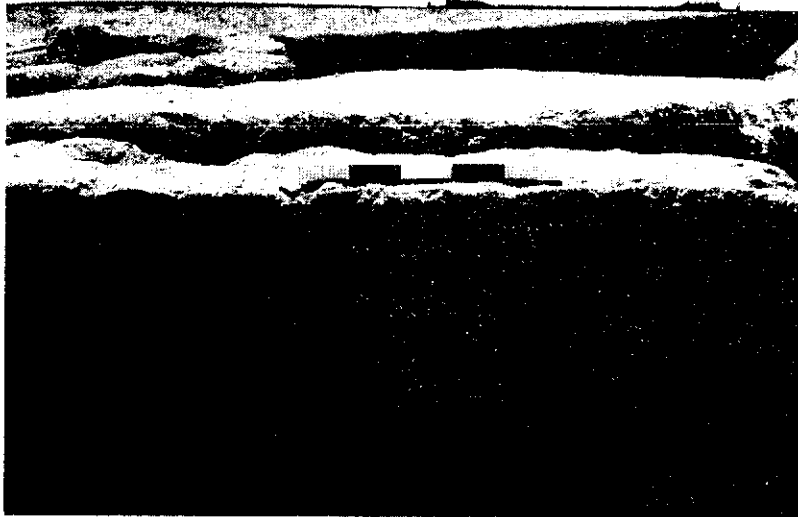
تصویر شماره ۷- طاقچه های دیوار غربی اتاق شماره V در ترانسه M7



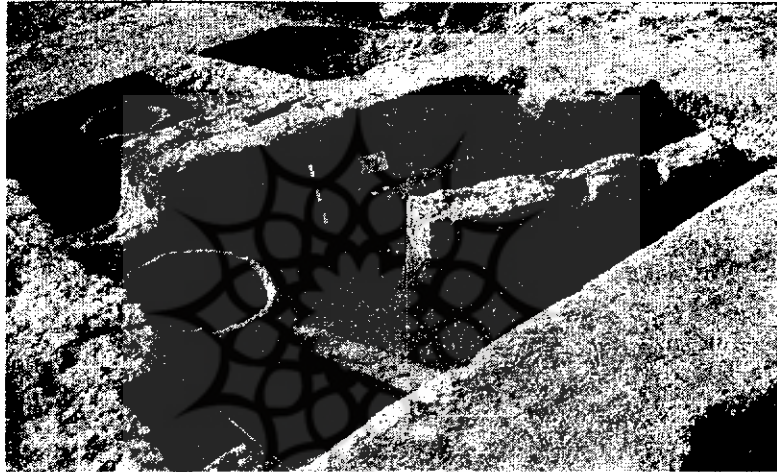
تصویر شماره ۸- اثر بر جای مانده از تیر فرو افتاده ی سقف بر روی کف اتاق شماره V در ترانسه M8



تصویر شماره ۹- فضای معماری شماره IV و سیلوهای واقع در آن در محدوده ی ترانسه M8



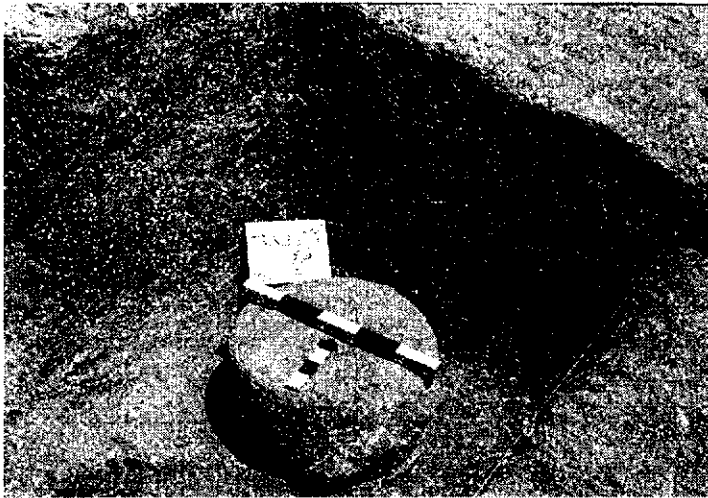
تصویر شماره ۱۰ - طاق بر پا مانده ی ورودی جنوبی فضای شماره III در ترانسه M8



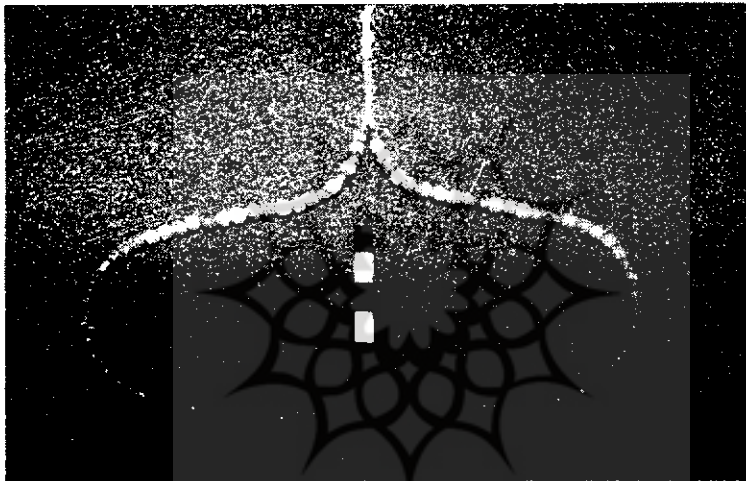
تصویر شماره ۱۱ - فضای شماره I و II در محدوده ی ترانسه K8



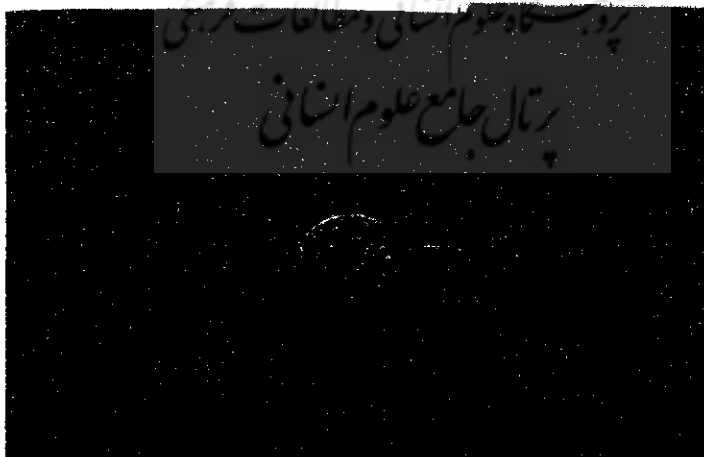
تصویر شماره ۱۲ - سیلوهای بدست آمده در فضای شماره I در ترانسه K8



تصویر شماره ۱۳- پلاک سفالین بدست آمده از ترانسه K8



تصویر شماره ۱۴- تسبیح بدست آمده از محدوده ی ترانسه K8



تصویر شماره ۱۵ - نمونه ای از سکه های معروف به فلوس که عبارت فلوس و سال ضرب ۱۰۵۰ بر روی آن مشهود است